

ممنوعیت کار کودک را بپذیریم یا ...

مردان وزنانی که خیلی زود نان آور خانواده شده اند!!

گزارش: کشور اکبری

شانزدهم آذرماه هشتاد و پنج

گزارشی از کار کودکان؛

کودکان کار یکی از پدیده های زشت اجتماع ما هستند و در حالی که قانون کار بر ممنوعیت کار کودک تاکید دارد، هر روز در کوچه و معابر و خیابان ها شاهد حضور این افراد هستیم و متأسفانه این روند همچنان در حال گسترش است. محمدرضا ۱۲ ساله چهارم ابتدایی است و حالا دستفروشی می کند، محمدرضا می گوید: روزی ۳ - ۴ هزار تومان در آمد دارم او اضافه می کند، پدرم ناخوش احوال است و زمین گیر شده و من برای آنکه دو برادر و خواهر کوچکترم راحت زندگی کنند، کار میکنم میگویم: در آمد دیگری دارید؟ او میگوید: خیر با همین دستفروشی فعلا زندگی میکنیم! ابراهیم ۱۱ ساله که در میدان افسریه گل می فروشد.

" ابراهیم " می گوید: پدرم مرده و مجبورم کار کنم ، ابراهیم در آمد ماهانه اش را ۹۰ هزار تومان اعلام می کند، می گوید ۸۰ هزار تومان اجازه خانه می دهیم؛ می پرسم منزلتان کجاست و او آدرس مشیریه را می دهد.

از مادر و خانواده اش می پرسم ، ابراهیم می گوید: خواهرانم آن طرف اتوبان گل می فروشند و مادرم آنجا نشسته! می گویم: ابراهیم درس هم می خوانی! و او می گوید: خانواده ام را سیر کنم ، هنر کرده ام!

عباس ۷ ساله که ساکن ورامین است و دستفروشی میکند، میگوید: نمیدانم روزی چقدر کاسبم، هرچه میفروشم، تحویل مادرم میدهم او مدرسه نمیرود و با زبان کودکانه اش میگوید: مادرم گفته هر وقت پول دار شدیم، مدرسه می روی.

"زهرا" ۹ساله داخل مترو آدامس میفروشد! میگویم چرا کار میکنی، میگوید پدرم تصادف کرده و خانه نشین است. زهرا می گوید: مادرم نیز در واگن بعدی دستفروشی می کند؛ می پرسم: روزی چقدر در آمد داری ، می گوید:

هزار تومان! می پرسم پدرت چه کاره بود و او می گوید: پیک موتوری کار می کرد. زهرا میگوید: باید کارکنیم تا از گرسنگی نمیریم ، آخر هیچ کس به فکر مانیست باید خودمان موظف خودمان باشیم . و علی ۷ ساله که پدرش در

کارگاه و مادرش سبزی برای همسایه ها پاك می کند، می گوید: مادرم گفته سال آینده میفرستم بری مدرسه، آن وقت حتما پول خواهیم داشت. میگویم: چه آرزویی داری و او میگوید: يك شب همه دور هم جمع باشیم و مادر بزرگم با ما

زندگی کند.

گزارش: کشور اکبری

تهران- خبرگزاری کار ایران